

نظری به وضعیت اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی

اونال چویکاز^۱
ترجمه قاسم ملکی

جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از کسب استقلال سیاسی در ۱۹۹۱، باید استقلال اقتصادی خود را نیز تحصیل کنند. حرکت از اقتصاد برنامه‌ریزی به یک اقتصاد بازار، با روندی بدون پیشینه تاریخی روبه‌روست. تجارت دوجانبه بین اعضای متجانس جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع دوباره بسط و توسعه می‌یابد. در حقیقت، موافقتنامه‌های تجاری، مقررات محکم و معتبری برای توافقات بلندمدت تجاری ندارند، اما در کوتاه‌مدت تأیید و تقویت تعهدات گذشته را مورد نظر دارند در آن جهت، این کشورها بیشتر موافقتنامه‌های یک‌ساله که بر اساس تجارت پایاپای هستند را منعقد نموده‌اند. در ۱۹۹۱ تمامی کشورهای آسیای مرکزی شاهد یک افست شدید در تجارت خارجی‌شان بودند.

بعد از گذشت بیش از ۱۰ سال با توجه به وجود یک نظام برنامه‌ریزی اقتصاد متمرکز، جمهوری‌های آسیای مرکزی اتحاد شوروی پیشین اکنون همچنان از اثرات یک تجزیه و پاشیدگی ساختار یکپارچه رنج می‌برند. این ساختار یکپارچه، در حالی که اکیداً بر کنترل مرکزی حتی بر اتباع پانزده جمهوری تأکید داشت و همچنین، مخالفت با تقاضاهای مبنی بر عدم تمرکزگرایی یا خودمختاری بیشتر در آن دوره، باعث شد پیشرفت متوازن منطقه‌ای عملی نگردد. بهره‌برداری به وسیله مرکز از منابع و ثروتهای مناطق مختلف و دور شوروی پیشین به‌طور سیستماتیک، عقب‌ماندگی منطقه‌ای آسیای مرکزی در شوروی سابق را به دنبال آورده است. منطقه‌ای که نسبت به دیگر مناطق شوروی سابق از پیشرفت کمتری برخوردار بوده آسیای مرکزی است.

۱. Ünal Ceviköz، از صاحب‌نظران امور اقتصادی اروپای شرقی و آسیای مرکزی است. این نوشته ترجمه مقاله‌ای است که در مجله مطالعات آسیای مرکزی (1) 13، (1994)، *Central Asian Survey*، از ایشان به چاپ رسیده است.

جمهوری‌های آسیای مرکزی که استقلال سیاسی‌شان را در ۱۹۹۱ اعلام کردند باید استقلال اقتصادی خود را نیز تحصیل کنند. حرکت از اقتصاد برنامه‌ریزی شده (تمامی اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی پیشین توسط سازمان مرکزی برنامه‌ریزی اقتصادی که گوسپلان خوانده می‌شد تدوین و تعیین می‌گشت) به یک اقتصاد بازار، که روندی فاقد پیشینه تاریخی است، به نظر می‌رسد که یک آزمایش دردناک برای این کشورها باشد. برای قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان طی این پروسه‌ها چه بسا مشکل‌تر باشد چرا که اقتصادهایشان در تنگناهای سخت و دشوار قرار دارند.

یک کاهش پی‌درپی و مداوم در سرانه محصول ناخالص ملی^۱ هریک از این جمهوری‌ها، از آغاز دهه ۱۹۷۰ به چشم می‌خورد. در سال ۱۹۹۰، محصول ناخالص ملی سرانه جمهوری‌های آسیای مرکزی از ۷۵ درصد متوسط کل شوروی سابق به ۵۰ درصد متوسط کل محصول ناخالص ملی شوروی سابق تقلیل یافت. با توجه به مختصات ساختاری اقتصاد شوروی پیشین، هرکس به سرعت نقش تعیین‌کننده وابستگی داخلی جمهوری‌ها را به یکدیگر درمی‌یابد. هفتاد سال تجربه شوروی در اقتصاد برنامه‌ریزی متمرکز، الگویی منطقه‌ای و معین از ظرفیتهای تولید را به وجود آورد که حاصل آن یک نظام منفعت متقابل از روابط اقتصادی بین جمهوری‌ها بود. این شکل روابط عواقب بسیار وخیمی را برای جمهوری‌های شوروی سابق به وجود آورد، زیرا تغییر ناگهانی یک عامل، خطرها و تزلزلها را افزایش داده و اقتصادهایشان را در معرض صدمه جدی قرار می‌دهد. بالمآل، بعضی از رهبران کشورهای آسیای مرکزی یک پروسه تدریجی تعدیل و اصلاح را برای کاستن از خطرات غیرقابل پیش‌بینی عواقب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد توجه قرار داده‌اند.

طی دوره برنامه‌ریزی اقتصادی متمرکز، تأکید بسیار بر صنعتی شدن سبب تولید انبوه کالاهای صنعتی شد که نمایانگر انحصار در صنعت بود. به طور مشخص بدیهی است که در بخشهای ماشین‌آلات سنگین، ۱۶۰ فقره از ۱۸۰ نوع ابزار ماشین‌آلات در انحصار دولت باشد. این میزان بالا از انحصار به یک مبادله منطقه‌ای داخلی متمرکز کالاها میان جمهوری‌های شوروی سابق منجر شد و لذا تجارت بین جمهوری‌ها عامل مهمی در وابستگی بیشتر آنها به

۱. محصول ناخالص ملی یا فرآورده ناخالص ملی: ارزش بولی کل کالاها و خدمات تولیدی در یک اقتصاد و بر پایه قیمتهای جاری بازار پیش از کسر استهلاک و دیگر مخارج مربوط به استهلاک کارهای بادوام. در یک دوره زمانی سرمایه‌ای محصول ناخالص ملی را می‌توان مخارج ناخالص ملی نیز نامید. (مترجم)

یکدیگر گشت. به عبارت دیگر، یک نگاه دقیق به ارقام صادرات و واردات این جمهوری‌ها در سال ۱۹۸۸ نشان می‌دهد که فقط بخشی کوچک از مبادلات اقتصاد خارجی جمهوری‌های شوروی سابق با نواحی خارج از اتحاد شوروی بوده است. (نگاه کنید به جدول زیر)

نکته حائز اهمیت دیگر از بررسی آمار و ارقام جدول اینک، فدراسیون روسیه بیشترین سهم را در مجموع صادرات و واردات کالاهاى مختلف از خارج یعنی دیگر کشورهای جهان داشته‌است.

تناسب مبادلات بین جمهوری‌های پانزده‌گانه شوروی سابق و

صادرات به خارج و واردات از خارج به درصد

واردات		صادرات		جمهوری‌های پانزده‌گانه
مبادلات تجاری کالاهای ساخت داخل جمهوری‌ها	واردات از خارج	مبادلات تجاری کالاهای ساخت داخل جمهوری‌ها	صادرات به خارج	
۵۰/۷۵	۴۹/۲۵	۶۷/۵	۳۲/۵	فدراسیون روسیه
۷۳	۲۷	۸۵	۱۵	اوکراین
۷۹	۲۱	۹۱	۹	بیلوروسی (روسیه سفید)
۸۶	۱۴	۸۵	۱۵	ازبکستان
۸۳/۵	۱۶/۵	۹۱	۹	قزاقستان
۸۰	۲۰	۹۳	۷	گرجستان
۷۵	۲۵	۹۴	۶	آذربایجان
۸۳	۱۷	۹۱	۹	لیتوانی
۸۲	۱۸	۹۵	۵	مولداوی
۸۲	۱۸	۹۲	۸	لاتویا
۸۰	۲۰	۹۸	۲	قرقیزستان
۸۷	۱۳	۸۶	۱۲	تاجیکستان
۸۲	۱۸	۹۸	۲	ارمنستان
۸۶	۱۴	۹۲	۸	ترکمنستان
۸۱	۱۹	۹۰	۱۰	استونی

از طرف دیگر، حجم تجارت مابین جمهوری‌ها، شاخص برجسته‌ای از میزان یکپارچگی اقتصادی جمهوری‌های شوروی پیشین می‌باشد که دلیلی برای آن است که چرا جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱ اگر بخواهد در مقابل مشکلات حاد سیاسی دوام بیاورد، ناچار است برای اعمال و ابراز همان شکل سودمندانه متقابل از روابط اقتصادی با اعضایش، آن رابطه را ادامه دهد. بنابراین، یک نمودار معین و ساده از تجارت، به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی که اعتبار یک اقتصاد را روشن می‌نماید شکل وابستگی‌های جمهوری‌های شوروی سابق به بازار داخلی را نشان می‌دهد.^(۱)

یک‌بار دیگر وابستگی به جمهوری‌ها دوباره ایجاد شده است که با توجه بیشتر به آن درمی‌یابیم تمامی جمهوری‌های آسیای مرکزی کسر بودجه‌های بازرگانی در ارتباط با تولیدات صنعتی دارند، اما آنها برای محصولات کشاورزی مازاد تجاری دارند (به‌جز تاجیکستان و قرقیزستان که در حقیقت کسری بودجه‌های بازرگانی آنها در تولیدات صنعتی قابل توجه است). با این حال متأسفانه درآمدهای خالص حاصل از صادرات کشاورزی برای جبران و تأمین مالی واردات کالاهای صنعتی کافی نیستند.

اگرچه تصویر عمومی ترسیم شده در بالا، کشورهای آسیای مرکزی را بیرنگ و کم‌تحرک نشان می‌دهد (همان‌طور که شکلی متداول در بیشتر تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی CIS می‌باشد) ولی تجزیه و تحلیل‌های جداگانه در مورد هر جمهوری به‌طور مشخص ممکن است نمای متفاوتی ارائه دهد. به‌دلایل مختلف قزاقستان یک موقعیت نسبتاً ممتاز دارد. اگر چنانچه این جمهوری که دارای سلاح‌های هسته‌ای است به‌عنوان یکی از چهار قدرت بزرگ تمامی جمهوری‌های ۱۵ گانه شوروی سابق محسوب می‌شود، شخصیت برجسته رئیس‌جمهور قزاقستان شاید دلیل دیگری است که این کشور تسلط بیشتری بر امور نسبت به دیگر کشورهای آسیای مرکزی دارد.

نورسلطان نظربایف جزو قویترین پشتیبانان این نظریه بود که شکلی از اتحاد به‌منظور حفظ اقتدار حکومت مرکزی شوروی پیشین انتخاب گردد و این دیدگاه تا اواخر سال ۱۹۹۱ پیگیری می‌شد. او جزو محکمترین رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی به‌شمار آمده و در اثنای سفرش به کشورهای غربی خود را یک سیاستمدار نمونه معرفی نموده است. موقعیت جغرافیایی و ترکیب قومی قزاقستان طوری با یکدیگر ترکیب شده‌اند که در شکل دادن رهبری

1. CIS (Commonwealth of Independence States)

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سیاست خارجی بسیار مؤثر است.

قزاقها، کسانی که به واسطه موضوع فشار روسها برای روسی نمودن جنبه‌های گوناگون جمهوری قزاقستان بسیار معذب بوده‌اند بویژه در دوران استالین، آشکارا بزرگترین گروه قومی جمهوری با بیش از ۴۰ درصد از جمعیت ۱۷ میلیونی قزاقستان را تشکیل می‌دهند. ۳۶ درصد جمعیت را روسها، ۶ درصد از اقوام آلمانها و ۵/۵ درصد اوکراینی هستند. در قزاقستان همچنین اقلیتهای تاتار و ازبک هر یک ۲ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. با وجود این زمینه از ساختار چند قومی جامعه، رهبری ماهر و دیپلماتیک نظربایف در به حداقل رساندن اصطکاکها و اختلاف نظرها موفق بوده‌اند. لذا، مسئله احترام و تکریم جمعیت روس قزاقستان برای روز هفتم ژانویه به عنوان روز تعطیل کریسمس (ارتدوکس) تصادفی نیست.

علی‌رغم کینه اکثریت مسلمانان قزاقستان، هم نظربایف و هم دیگر رهبران قزاق بارها تمایل و تحسین‌شان را نسبت به مدل غیر مذهبی ترکیه ابراز داشته‌اند. به لحاظ اهمیت موضوع شخصیت‌گرایی در جمهوری قزاقستان، بسیاری از نژادشناسان شوروی سابق، قزاقستان را به عنوان یک جمهوری واقعی و قانونی در آسیای مرکزی به حساب نمی‌آوردند. این جمهوری تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی به عنوان پلی بین شمال و جنوب تلقی می‌گردید. همچنین، قزاقستان شریک تجاری سنتی روسیه از نظر عرضه گندم، محصولات دامی، زغال‌سنگ، آهن و مواد خام بود؛ اما به جهت بعضی از کالاهای تولید شده در دیگر جمهوری‌ها، وابسته محسوب می‌شد.

جمهوری دیگر از جمهوری‌های آسیای مرکزی که می‌بایست غرب به آن توجه بسیار بنماید، قرقیزستان می‌باشد. قرقیزستان نیز به لحاظ موقعیت رئیس‌جمهورش عسگر آقایف، به عنوان یک فرد طرفدار اصلاحات چهره‌ای فرهمند^۱ (پرجذبه و گیرا) دارد. در حقیقت آقایف، موارد و برنامه اصلاحات را در کشورش خیلی زودتر از دیگر رهبران آسیای مرکزی آغاز کرد. وی در مقایسه با رهبران ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان این عملکرد را برای بنای مناسبات خوب با کشورهای غربی آسانتر یافته است که در شرایط ساختار چند نژادی جمعیتش، بوضوح وضعیت بهتری از قزاقستان دارد. در حدود ۴۸ درصد از ۴/۵ میلیون جمعیت قرقیزستان، قرقیز هستند، در حالی که ۲۶ درصد روس، ۱۲ درصد ازبک، ۶ درصد اوکراینی و حدود ۳ درصد تاتار را شامل می‌شوند. مرز مشترک قرقیزستان با چین یک عامل مهم در شکل‌گیری سیاست

خارجی قرقیزستان بوده است. اگرچه قرقیزستان با مازاد تجاری در انرژی روبه‌روست ولی ایستگاههای هیدروالکتریک قرقیزستان مازاد تولید الکتریسته را فراهم آورده‌اند.

ازبکستان، با جمعیت بیش از ۲۰ میلیون نفر، با منابع نیروی انسانی می‌بایست یک نقش قاطع را در منطقه ایفا نماید. در مقام مقایسه قرقیزستان و قزاقستان می‌توان گفت ازبکستان نسبتاً یک جمعیت متجانس با ۶۹ درصد ازبک را داراست. شمار روسها در حدود ۱۰ درصد جمعیت ازبکستان را تشکیل می‌دهند و به‌نظر می‌رسد به واسطه کوچ و مهاجرت روبه‌کاهش گذارد. همچنین در ازبکستان تاتارها ۴ درصد، قزاقها ۴ درصد و تاجیک‌ها ۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. ازبکستان در اقتصاد شوروی پیشین با ۶۵ درصد پنبه تولیدی شوروی، دارای نقش ویژه‌ای بود. اما وضعیت تک‌محصولی ازبکستان خاک را فرسوده کرده است، منابع آب را تحلیل برده و مردم را فقیر نموده است. تولید پنبه از ۳۵۰،۰۰۰ تن در ۱۹۱۳ به بیش از ۵ میلیون تن در ۱۹۹۰ رسید قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، محصول غله ۷۰ درصد منطقه سوون^۱ در ازبکستان را می‌پوشاند و پنبه ۱۹ درصد. در ۱۹۸۹ این ارقام به ترتیب ۲۱ درصد و ۴۷ درصد بودند.

تمرکز مفرط تولید پنبه روی زمینهای زراعتی ازبکستان برای چندین دهه باعث افزایش علفهای هرزه و مضر در این زمینها شد. تولید تک‌محصولی کشاورزی همچنین به نیروی کار کشاورزی صدمه زد. به دلیل اینکه تولید پنبه ۳۵ بار بیشتر از تولید غله یا نیشکر نیروی کار احتیاج دارد؛ یا به عبارت دیگر ۱۴ بار بیشتر از سیب‌زمینی و ۹ بار بیشتر از تولید سبزیجات؛ همان‌طور هم که انتقال از تمرکز کاربر روی تولید پنبه عملی می‌شود، نیروی کار اضافی احتمالاً افزایش خواهد یافت. چرخشها و انحرافهای جمعیت‌شناسی^۲ این مشکلات را تشدید می‌کنند، و احتمالاً به تزلزلهای اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود.

از دو کشور دیگر آسیای مرکزی، ۶۸ درصد از جمعیت ۳/۶ میلیون نفری ترکمنستان، ترکمن هستند. ۱۲/۵ درصد روس و ۸/۵ درصد ازبک می‌باشند. ترکمنستان از نظر منابع نفت و گاز غنی است و مازاد تجاری در بخش انرژی دارد. تاجیکستان با بیش از ۵ میلیون جمعیت دارای بالاترین نسبت رشد سالیانه جمعیت در میان جمهوری‌های شوروی سابق است (۳/۵ تا ۴ درصد). ۵۸/۵ درصد از جمعیت جمهوری تاجیکستان، تاجیک و ۲۳ درصد ازبک و بیش از ۱۰ درصد روس می‌باشند. تاجیکستان فقیرترین جمهوری از جمهوری‌های پانزده‌گانه شوروی سابق است. در حالی که از نظر منابع آبی، این جمهوری در بین دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی مقام اول را داراست.

مبارزه برای اصلاحات اقتصادی

مبارزه داخلی رهبری شوروی سابق در مورد انجام اصلاحات اقتصادی، عکس‌العمل‌ها و انعکاسهایی روی تصمیمات رهبری دیگر جمهوری‌ها داشته است. رهبران قزاق و قرقیز علاقه‌مند به تغییرات سریع اقتصادی از نظر ساختار می‌باشند در حالی که، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان مدت زمان طولانی‌تری را مورد نظر دارند و اصلاحات تدریجی برای انتقال اقتصادی مورد توجهشان است. در حالت دوم، به نظر می‌رسد که این سیاست اختلال‌های اجتماعی و مخالفت‌های مردمی را کاهش خواهد داد.

حوادث تاجیکستان ثابت کرده‌است که نمی‌توان آشوبها و اغتشاشات اجتماعی را منحصرأ ناشی از نوسازی ساختار اقتصادی و یا یورش رادیکالیسم دانست. در هریک از جمهوری‌های آسیای مرکزی، زمینه‌های زیادی برای بروز آشوب‌های مردمی ناشی از مسائل اجتماعی-سیاسی و یا اجتماعی-اقتصادی وجود دارد. برنامه‌های اصلاحات، چه تند و سریع و چه تدریجی در هر صورت بر ساختار این جوامع تأثیر خواهد گذاشت و موفقیت ممتاز گروه‌های صاحب نفوذ را مختل خواهد کرد. اما اصلاحات اقتصادی همچنین ساختارهای دموکراتیک این جوامع را برانگیخته و فرصتهای اقتصادی را افزایش خواهد داد.

یک شرط لازم و اساسی برای ایجاد جوامع دموکراتیک در جمهوری‌های آسیای مرکزی در آینده، خصوصی‌سازی و اصلاحات ارضی است. اگرچه رهبران قزاقستان و قرقیزستان خود را از حامیان مشتاق اقتصاد بازار می‌نمایانند و با وجود این واقعیت که بیشترین قوانین برای اصلاحات اقتصادی از تصویب پارلمانها گذشته است، مشکلات اجرایی هنوز پابرجا هستند.

در هر دو کشور قزاقستان و قرقیزستان، خصوصی‌سازی سرمایه‌های دولتی، حلقه مرکزی برنامه اصلاحات اقتصادی است. اما خطری که ممکن است باعث افزایش بیکاری و بروز آشوب اجتماعی بعدی شود مانع اصلی برای امور اجرایی به حساب می‌آید. در قزاقستان، خصوصی‌سازی در مقیاس کوچکتر بیشتر موفقیت‌آمیز بوده است، در حالی که خصوصی‌سازی در مقیاس وسیع تردیدهایی را به دنبال خواهد داشت.

ادراک رایج توده مردم که فقط طبقات بالای حزب کمونیست شوروی سابق و کارگزاران حکومتی، منافع حاصل از خصوصی‌سازی سرمایه‌های بزرگ دولتی را به دست می‌آورند به واسطه این واقعیت که نومن‌کلاتورا^۱ نقشی برجسته در تصمیم‌گیری و پیشنهاد اصلاحات دارد

۱. Nomenklatura، فشر برگزیده و «نناز (الیت، Elite) از کارگزاران حکومت شوروی سابق است که به تعبیری از تمامی

تقویت شده است.

با وجود اینکه قزاقستان و قرقیزستان در عمل برنامه‌های اصلاحات اقتصادی‌شان را دنبال ننموده‌اند ولی با این حال، این دو کشور چند قدم جلوتر از سه کشور دیگر آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان) می‌باشند چرا که پارلمانها در سه کشور اخیر هنوز قانون اصلاحات اقتصادی را تصویب نکرده‌اند. در مورد اصلاحات ارضی، تقریباً تمام رهبران کشورهای آسیای مرکزی پس از مشاهده و بررسی دقیق‌تر نتایج که به مثابه جعبه پاندورا^۱ عمل می‌کند خود را کنار کشیده و در برخورد با آن با احتیاط عمل می‌کنند.

همان‌طور که در ابتدای مقاله گفته شد تجارت بین جمهوری‌های پانزده‌گانه، یک ویژگی برجسته اقتصادی آنها بوده است، اما با تجزیه قدرت مرکزی این ساختار مختل شده و برهم خورد. تکیه شدید کشورهای آسیای مرکزی به شبکه‌های توزیع مرکزی این کشورها را بیشتر از سایر جمهوری‌های شوروی پیشین از این به هم ریختگی و اختلال معذب ساخته است.

به‌عنوان نتیجه این پدیده، تجارت دوجانبه بین اعضای متجانس جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع دوباره بسط و توسعه می‌یابد. در حقیقت، موافقتنامه‌های تجاری، مقررات محکم و معتبری برای توافقهای بلندمدت تجاری ندارند، اما در کوتاه‌مدت تأیید و تقویت تعهدات گذشته را مورد نظر دارند در آن جهت، این کشورها بیشتر موافقتنامه‌های یک‌ساله که بر اساس تجارت پایاپای هستند را منعقد نموده‌اند. در ۱۹۹۱ تمامی کشورهای آسیای مرکزی شاهد یک اُفت شدید در تجارت خارجی‌شان بودند.^(۲) اما کسری در تجارت خارجی همچنان کاهش داشت. در دوره‌های تجارت بین جمهوری‌ها، اطلاعات در دسترس مربوط هستند به ۱۹۸۹ که دال بر این می‌باشند که تاجیکستان و قرقیزستان و قزاقستان و ازبکستان احتمالاً از بیشترین تنگنای اقتصادی رنج می‌برند وقتی که ناچارند تجارت‌شان را به موازنه سال ۱۹۹۲ برسانند.

ترکمنستان به واسطه ذخایر نفت و گاز فراوان به‌طور مقایسه‌ای کسر بودجه تجاری کمتری داشته است. چنانچه قیمت‌های بازار جهانی در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع متداول شوند، این جمهوری (ترکمنستان) شاید شانس بهتری جهت توازن در تجارت خارجی‌اش داشته باشد. همچنین، تعرضات و آشوبها در خارج و اختلالات در ساختارهای

امکانات برخوردار بوده و بهره‌مند از همه امتیازات می‌باشند. (مترجم)

۱. Pandora's box، مؤلف به این جهت مسئله اصلاحات ارضی را به جعبه جادویی یا سحرآمیز مثال زده که چنانچه این امر بدون پیش‌زمینه و مقدمات لازم آغاز شود عواقب آن غیرقابل کنترل خواهد بود. (مترجم)

تجارت بین جمهوری‌های پنج‌گانه آسیای مرکزی شوروی پیشین، این جمهوری‌ها را برانگیخته است تا طرفهای تجاری‌شان را متنوع کرده و روابط اقتصادی‌شان را گسترش داده و در جستجوی شرکای جدید باشند. در این خصوص کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه از نظر توجه در صف اول قرار دارند که همکاری‌های سه‌جانبه اقتصادی‌شان را از طریق اکو^۱ با عضویت چهار کشور آسیای مرکزی (قزاقستان فقط عضو ناظر است) و جمهوری آذربایجان گسترش می‌دهند. از طرف دیگر، جمهوری اسلامی ایران به یک ابتکار همکاری منطقه‌ای دیگر به نام سازمان همکاری‌های کشورهای ساحلی دریای خزر^۲ دست زد.

ضمناً، کشورهای آسیای مرکزی تلاشهای خود را جهت متنوع کردن طرفهای قرارداد در معاملات تجاری دوجانبه‌شان افزایش داده‌اند. در این باره، چین، پاکستان، کره جنوبی، ژاپن و هندوستان به اندازه کشورهای غربی دارای ظرفیتهای بسیار جهت معاملات تجاری در منطقه می‌باشند.

به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد که اگر چه روابط دوجانبه اقتصادی با اقتصادهای پیشرفته جریان تکنولوژی پیشرفته، دانش فنی و سرمایه خارجی را به منطقه سرازیر خواهد کرد ولی سازمان و نوسازی ساختاری همکاری‌های منطقه‌ای بین جمهوری‌ها یک پایه قاطع و تعیین‌کننده در آینده پیشرفت اقتصادهای کشورهای آسیای مرکزی خواهد بود. احتیاج مشترک این جمهوری‌ها به آب و انرژی زمینه را برای این همکاری‌ها فراهم می‌نماید. در حال حاضر، وابستگی سنتی به روسیه در این منطقه، به احتمال زیاد پابرجا و بادوام می‌باشد.

یادداشتها

۱. سهم و میزان تجارت بین جمهوری‌ها، حصول ناخالص ملی یک شاخص قابل توجه در اتحاد جماهیر شوروی سابق به‌شمار می‌آید. برای کشورهای آسیای مرکزی، به‌جز قزاقستان، این سهم به‌طور متوسط از ۳۰ تا ۴۰ درصد در فاصله سالهای ۸۹-۱۹۸۷ در نوسان بود. در مقایسه با شاخصهای مشابه برای کشورهای غربی، هرکس می‌تواند همان نتیجه و سهم (خارج قسمت) که بین ۲۰ تا ۲۵ درصد (به‌طور مثال برای فرانسه، انگلستان و آلمان) در نوسان است را مشاهده نماید. این آمار به این مفهوم می‌باشد که چهار جمهوری از پنج جمهوری آسیای مرکزی (به‌جز قزاقستان) خیلی بیشتر از آنکه سه کشور غربی ذکر شده در بالا به اقتصاد جهانی وابسته باشند مُنظَّم و وابسته به اقتصاد شوروی پیشین بودند. این رقم برای هلند که دارای اقتصاد آزاد می‌باشد به

1. ECO (Economic Cooperation Organization)

2. Caspian Sea Cooperation Initiative

۵۰ درصد می‌رسد.

۲. آخرین داده‌های آماری که از طرف حاکمیت‌های جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در دسترس می‌باشند و راجع به ارقام تجارت خارجی دولتهای عضو در سال ۱۹۹۱ است تجارت بین جمهوری‌های پانزده‌گانه را نقل نکرده و محاسبه ننموده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی